

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسایل ایدئولوژیک

آزاد ل

۳۱ اگست ۲۰۱۴

معجزه!!!!!!؟



اگر چنین چیزی را ببینیم واقعاً که معجزه خواهد بود

بخش اول

یکی از خرافه ترین طرح های دینی مخصوصاً در دین اسلام در پهلوی صد ها هذیان گوئی ناشی از مغز های بیمار و ناسالم اشاعه دهندگان، همین موضوع معجزه می باشد، ناشرین و بسط دهندگان این افکار زهر آگین در هر شرایط کوشیده اند تا با اشاعه خزعبلاتی ذهنیت های مردم خوش باور را خدشه دار و با زهر پاشی های خوش رنگ و بوی همه جانبه در مسموم ساختن ذهنیت های توده های مردم دور نگهداشته شده از دانش سهم خائنانه خود را اجراء نمایند، و به همین ملحوظ تلاش داشته و دارند تا اجرای یک سلسله اعمال خارق العاده را به پیامبران بنی اسرائیل از دوره های دور گذشته تا محمد که خود را آخرین پیامبر قلمداد نمود، نسبت دهند.

عقل سالم هیچ نوع معجزه ای را از هیچ شخصی که خود را به نام پیامبر بر مردم قبولانده و تحمیل نموده نمی پذیرد و همه می دانند که محمد خود اصلاً به روایت همان قرآنی که مسلمانها می گویند به آن عقیده دارند معجزه ای نداشته است اما این عالمان دینی و غلامان شیخک های عربی هستند که با گفتن چرندیاتی به محمد معجزاتی را چسپانده اند در حالی که در قرآن بارها در باره محمد و در خواست معجزه از وی از طرف کسانی که مسلمان نبودند صحبت شده است اما محمد معجزه را به الله نسبت داده است اما برای غرور و کسب افتخاری برای خود از معجزات پیامبران قبل از خود یاد دهانی می نماید و آن را به کرات در قرآن گنجانیده است.

و قالوا لولا أنزل عليه آيات من ربه قل إنما الآيات عند الله وإنما أنا نذير مبين،»

و گفتند: چرا بر او از طرف پروردگارش معجزاتی نازل نمی شود؟ بگو: معجزات تنها نزد خداست (و به فرمان او نازل می شود نه به میل دیگران) و من فقط هشدار دهنده ای آشکار هستم.

متأسفانه در بین مردم مخصوصاً مردم مشرق زمین، پذیرش خرافات بیش از حد بوده و حرف مفت و افسانه های خرافاتی طرفداران بیشتری دارد تا واقعیت های جامعه و مردم خیلی دوست دارند چیزهای عجیب و غریب و متافیزیکی و جادویی را که در تخیلات و داستانها ذکر می شوند باور کنند که واقعاً وجود دارند.

خرافات همواره طرفداران بیشتری نسبت به واقعیت ها دارند، زیرا خرافات برای مردم خوش آیند است و مردم نسبت به آنها میل بیشتری دارند تا نسبت به توضیحات دقیق و صحیح علمی در باره یک پدیده! و معمولاً امیال انسانها بر عقلانیت آنها پیروز می شود، یعنی اگر چیزی خلاف میل ایشان باشد حتی اگر درست هم باشد تمایل چندانی نسبت به فهم آن نشان نمی دهند.

معجزه به تعبیر عام از حوادث تعجب برانگیز، غیر عادی و ماورا طبیعی یاد می شود در دین اسلام معجزه را یک امر خارق العاده می دانند که به اراده الله توسط پیامبرانش عملی می شود آنهم غرض تثبیت و به حق بودن پیامبری و نمایندگی از الله.

به تعبیر دیگر از مسلمین: معجزه ثبوت چیزی است که معمول و عادی نباشد مسلمین کنترل تمام امور کائنات، اجتماعات، حرکات، سکناات و هر نوع اتفاقات طبیعی و اجتماعی را به الله نسبت می دهند که قادر و کنترل کننده مطلق است. مسلمانان قرآن را هم یک معجزه می دانند

حال با نادیده گرفتن نظر فیلسوف (دیوید هیوم) در مورد معجزه که هر گونه گزارش وقوع معجزه را خطای مشاهده قلمداد می کنند و وقوع معجزه را مایکل لیواین «بیان این که معجزات با قوانین طبیعت در تضاد هستند» زیر سؤال برده و از نظر فلسفی، یا علمی ناصحیح می پندارد زیرا قوانین طبیعی قصدش توصیف وقایعی است که علل طبیعی داشته و نه وقایعی که علل فرا طبیعی دارند) به سادگی می توان به جمع بندی وقایع و نسبت های طرح آن به نتیجه رسید.

زمانی که کسی فرض کند که واقعه ای علت فراطبیعی دارد، دیگر نمی تواند به قوانین طبیعی استناد بجوید، گروهی دیگر از فلاسفه هم امکان اثبات «تضاد وقوع یک واقعه با قوانین طبیعی» را رد کرده و می گویند که تمامی قوانین طبیعی شناسائی نشده اند و دانشمندان هیچ وقت در موقعیتی نخواهند بود که بتوانند همه آنچه طبیعت ممکن است تولید کند را شناسائی کنند در نتیجه منطقی ترین راه مواجه شدن با چیزهایی که ظاهراً متناقض با قوانین طبیعی هستند تلاش برای افزایش فهم از قوانین طبیعی می باشد.

با پیشرفت جامعه باور های دینی جایگزین، جادو گری می شود که سالیان متمدنی در بین قبایل وحشی و نیمه وحشی در قاره های مختلف دوام نموده بود.

در زمانه هایی که جادوگری رواج داشت باور های مردم چنین بود که: ارواح، خدا و یا خدایان با قربانی کردن یک شخص از خشم پائین آمده و به انسانها برگت می دهد، و شاید هم روی همین منظور بود که در دین یهود ابراهیم می خواهد پسرش اسحق و بعداً اسمعیل را قربانی کند و به اصطلاح به او وحی می شود که به جای پسرش گوسفندی را قربانی کند که این رسم و رواج دورانهای خیلی ها خرافاتی عملکرد ابراهیم، شکل مقدس گرفته و تا امروز ادامه دارد و تعدادی ازین پیروان وحشت بدون وحی و چون و چرا به کشتار انسانها آنهم به شکل اسلامی آن یعنی الله اکبر گویان به ذبح نمودن (گلو بریدن) پرداخته و این عمل شنیع و غیر انسانی امروز در گوشه هایی از جهان رواج یافته است.

مسلمانها و دنباله روان شیخک های عرب در باره معجزه نظر دارند که: معجزه امر خارق عادی است که مقرون به تحدی باشد و از طرف مطابقت با دعا داشته باشد

همچنان مدعی اند که: معجزه به اسباب طبیعی محتاج است و همچنان از اسباب باطنی بهره مند!!!! و در تشریح

اسباب طبیعی همان موجودیت اشیا و اسباب باطنی که اراده خدا در آن باشد لازم می شمارند اما دنباله روان شیخک ها وقتی که می خواهند معجزاتی را به محمد بچسباند این قسمت از گفته های خود را در نظر ندارند یکی از شروط معجزه هم مقرون بودن به تحدی است، یعنی پیامبری که معجزه می کند از همگان مخصوصاً منکران و ناباوران می خواهد که اگر آنچه او به نام معجزه انجام داده است آن را یک عمل عادی می پندارند نظیر آن را بیاورند؟ و ادعا دارند که فقط و فقط معجزه برای اثبات یک مأموریت الهی انجام می شود تفاوت بزرگی که بین جادو گری و معجزه وجود دارد آن است که جادو منشای الهی نداشته و معجزه به اراده خدا انجام می پذیرد

تفاوت های دیگری که عالمان دینی بین جادو و معجزه قایل اند این است که جادو مخصوص آدمهای عادی است و سبب وجود شر می شود اما معجزه از طرف پیامبران بوده و به خاطر هدایت مردم راه اندازی می گردد، برای جادوگر شدن تمرین و تعلیم به کار است برای معجزه نه !! برای معجزه کردن فقط همین که نا آگاه و خوشبایور به پیامبری شخص ایمان پیدا نمودند کافی است و بقیه وظیفه پیامبر است که به اعمال خود و تشریح آن به شکل روپائی و مقدس شرح و بسط دهد و به بسیار سادگی بگویند که دیشب بر حیوانی سوار شده زمین و آسمانها را پیموده و با الله حرف زد و دو باره با همان حیوان به زمین برگشت و نفر همخوابه و پهلویی اش خبر نداشت !!؟؟ و همچنان عالمان دین تفاوت هائی را بین معجزه و کرامت پیامبران مطرح می کنند که ما با آن فعلا سرو کاری نداریم.

در چندین سوره و آیاتی از قرآن به همین تفاوت های بین جادو گری و معجزات پیامبران اشاراتی هم شده است مثلاً (چون ساحران، حیلہ های خود را)، بیفکنند موسی گفت: آنچه شما آورده اید جادو است و خدا آن را باطل خواهد ساخت، یا خدا کار مفسدان را به صلاح نمی آورد)

دنباله روان معجزات را دو نوع تعریف می دارند: یکی معجزات فعلی و یکی هم معجزات قولی.

معجزات فعلی عبارت است از: تصرف در کائنات به اذن خداوند، مثل: شق القمر، و شق الشجر از طرف محمد، شق الارض و شق البحر در داستان قارون و فرعون، از طرف موسی، و شق الجبل از سوی صالح و شفا دادن اکمه و ابرص و زنده ساختن مرده ها توسط عیسی

معجزه قولی: عبارت است از کلمات و بیانات الله و محمد که حاوی معارف عمیق و حقی هستند

دنباله روان تعیین قبله را از طرف محمد که بدون استفاده از علم نجوم صورت پذیرفته که گفت (محراب من رو به روی ناودان خانه خداست) از معجزات فعلی او می دانند.

اکنون لازم است برویم و خیلی ها هم مختصر چندی از این معجزات را که فقط از طرف پیامبران بنی اسرائیل اتفاق افتاده مطالعه و به بر رسی گیریم، البته صرف نظر از این که چرا و چرا؟؟ و چگونه؟؟ به آن اضافه کنیم.

یوسف فرزند یعقوب که بنا بر گفتار عالمان دین اسلام پدر و پسر هر دو پیامبر بودند داستان طویلی دارد که من قبلاً به شرح آن پرداخته ام، اما در این بحث به ارتباط تشریح معجزات پیامبران از او شروع می کنم.

معجزه ای که به ایشان نسبت داده می شود همانا تعبیر خواب نمودن جناب شان است یعنی این که چون او تعبیر خواب می کرد همین یک معجزه می باشد (فکر میکنم روی این حساب باید صبغت الله مجددی را اگر روی ملحوظاتی نمی توان در جمله پیامبران حساب کرد حد اقل حرمتی به ایشان در نزدیکی با پیامبران قایل شد چونکه جناب شان به علاوه تعبیر خواب های کرسی و دیگر زور مندان کشور از فن و رموز استخاره هم بهره مند هستند، اگر چنین نیست پس بفرمائید چه مقامی را به همچو شخصی باید قایل شد)؟؟

در قرآن در سوره ای که به نام همین پیامبر یعنی سوره یوسف نام گذاری شده است (و خواندن آن سوره از طرف محمد و عالمان دین برای خانم ها ممنوع شده است) از تعبیر خواب هائی که جناب شان از خواب زندانیانی که با یوسف

زندانی بودند تا خواب فرعون مصر و تعبیر آن خوابها توسط یوسف پیامبر نشانه کمال او گفته شده است و مسلمانان ادعا دارند که تعبیر خواب از علوم پیشرفته همان زمان محسوب می شد فلذا معجزه است.

صالح و ایوب پیامبر هم معجزاتی داشتند مثلاً : صالح پیامبر وقتی شترش را **!! تعجب می کنم اگر باور کنم که صالح !! پیامبر هم بود اما فقط یک شتر داشت !؟** (گمر اهان) اذیت نمودند و پایش را زخم زدند الله به خاطر این اذیت شتر نه تنها اذیت کنندگان بلکه، قومی را سرنگون ساخت اگر به چنین چیزی باور مند باشیم باید دانست که این معجزه را شخصاً خود الله انجام داده است نه صالح پیامبر ! و اگر باز هم چنین چیزی را قبول داریم از خود خواهیم پرسید که الله هم مگر بخاطر عملکرد خود و قبول آن بر بندگان به انجام معجزه ضرورت دارد ؟؟

حضرت ایوب پیامبر که بدنش را کرم زده بود یعنی الله می خواست او را در صبر و مقاومت امتحان کند در صبر نمودن مقاومت داشت با وجودی که جناب شان نه پیرو داشت و نه دین و مذهبی را تبلیغ میفرمودند معجزه صبر داشتند !! اما نمیتوانستند کرمی را از زخم های بدنش دور کنند !! چون اراده و مشیت الله در آن نبوده است ؟؟

حضرت داوود پیامبر و پادشاه هم معجزاتی داشته است ، مثلاً : شوهر زنی را که دید و عاشق بدنش شد کشت و با آن زن هم آغوشی نمود!!! این هم یک نوع معجزه است !! چون از شرف انسانی فاصله دارد

پسرش سلیمان ! نه تنها این که پیامبر بود و این مقام را ارثی گرفته بود پادشاهی هم از پدرش داوود علیه ... را به میراث گرفت... این یک اعجوبه استثنائی است... قرآن می گوید: او نه تنها پیامبر و پادشاه آدمیان بود، بلکه تمام انسانها، اجنات ، دیو ها، پری ها، حیوانات، پرندگان، خزندگان، درندگان و... همه را پادشاه بود !! و این کلانترین معجزه ای است که نصیب سلیمان پیامبر پادشاه گردیده است، اما این جناب به تنها چیزی که فکر می کرد مثل سایر پیامبران به تسکین شهوتش بود !!!! (خوانندگان ارجمند !! این تهمت و بهتان نیست، لطفا تاریخ اسلام و ادیان را مطالعه فرمائید) و به یقین کامل می توانم همین حالا عرض بدارم که شما هم همان برداشتی را خواهید داشت که من دارم (آوردن تخت ملکه سبا توسط جنیان و دیو ها به در بارش (شرح این واقعه را من قبلاً نوشته ام) و عاشق شدن به او و خلاصه با ملکه سبا ؟؟؟

موسی هم از جمله پیامبرانی است که بزرگترین، مهم ترین و باور نکردنی ترین معجزات را داشته است و از یک دیدگاه می توان فکر کرد که او مقامی بالاتر از محمد نزد الله بنی اسرائیل داشته است ؟ برای این که او در کوه طور می رفت و با یهوه که همین الله محمد است راست و مستقیم صحبت می کرد ، اما محمد برای (هر ملحوظی که است...) فوق آسمان ها با سواری الاغی با چهره ای آدم آنها زن به کمک جبرئیل از همه آسمانها می گذرد تا با خدا مذاکره کند و یا هم شاید به فکر رسیدن به حور های بهشتی رفته باشد ،؟ کس چه می داند ؟ خلاصه تمام آسمانها را پشت هم می گذارد و خود را به الله می رساند !! اما الله با او از پشت پرده صحبت می کند ؟؟؟؟؟؟؟

این موسی معجزات زیادی دارد ، اما اگر کشتار بیرحمانه و سر بریدن های کسانی که به دین او نپیوستند ، تاراج و چپاول مال و زندگی دیگران را توسط او و هم پالگانش را نا دیده بگیریم و معجزه ندانیم باید گفت که بزرگترین معجزه آن حضرت همانا عصائی که داشت، بود ! به گفته خصیه مالان ادیان، این عصا خواص عجیب و غریبی داشته است ، گاهی مار ! گهی اژدها، گاهی پل و گاهی هم ... نظر به خواست موسی تغییر شکل و عمل می دهد ! یعنی آنچه موسی بخواهد همان می شود و داشتن این عصا برترین فضیلتی است که موسی بر سایر پیامبران داشت.

ادامه دارد